

توصیه‌های پلیس آگاهی برای جلوگیری از سرقت منازل

معاون اداره اجتماعی پلیس آگاهی با اشاره به شناسایی الگوهای رایج سرقت گفت: خانه‌هایی که دارای سیستم‌های حفاظتی ضعیف هستند یا در زمان خروج مالک، نشانه‌های حضور در خانه را از خود بروز می‌دهند بیشتر هدف قرار می‌گیرند.

سرهنگ شریفی با اشاره به برنامه‌ریزی فرصت‌طلبان برای سوء استفاده از شرایط کشور اظهار کرد: معمولاً با تغییر شرایط محیطی، برخی افراد فرصت‌طلب تلاش می‌کنند از شرایط موجود سوء استفاده کرده و اقدام به سرقت از منازل کنند.

وصال مادر و پسر شهیدش در جنگ رمضان

پسر عزت خانم در این باره به خبرنگار جام جم گفت: وقتی برادرم شهید شد و پیکرش بازنگشت پدر و مادرم خیلی غصه‌دار شدند و مدام چشم انتظار بازگشت پیکرش بودند. سه ماه بعد از شهادت برادرم پدرم دوری او را طاقت نیاورد و فوت شد اما مادرم همچنان چشم انتظار بازگشت برادر شهیدم بود.

وی افزود: این انتظار ۱۰سال طول کشید. سرانجام پیکر او بازگشت و به خاک سپرده شد. مادرم در این سال‌ها غم شهادت برادرم را در دل داشت و همین باعث بیماری او شده بود. مادرم در طبقه دوم ساختمان چهار طبقه هشت واحدی در شهرک راه‌آهن در غرب تهران زندگی می‌کرد. به خاطر بیماری و سنش، برای او پرستار گرفته بودیم و خودمان هم به دیدارش می‌رفتیم. ساعت ۴:۲۰ صبح دهم فروردین ماه بود که از طریق یکی از همسایه‌های مادرم، متوجه ماجرا شدیم و سریع خودمان را به محله رساندیم.

فرزند این زن شهید ادامه داد: وقتی به محل رسیدیم دیدیم ساختمانی مقابل خانه مادرم هدف اصابت موشک قرار گرفته و تخریب شده بود. پرتابه‌های این موشک به ساختمان محل زندگی مادرم و ساختمان‌های دیگر نیز اصابت کرده بود. مادرم و پرستارش مصدوم و به بیمارستان منتقل شده بودند. ساکنان دو واحد طبقه اول که به‌شدت تخریب شده بود، به دلیل نبودن در خانه، جان سالم به‌در بردند. وی گفت: واحد روبه‌روی مادرم یک زوج و فرزندشان مصدوم شدند. واحدهای طبقه سوم و چهارم هم صدمه دیدند، اما خانه‌های‌شان تخریب کمتری داشت. همه مصدومان به بیمارستان انتقال یافتند؛ برخی سربایی درمان و مرخص شدند، برخی همچون مادرم بستری بودند. مادرم تحت درمان بود، اما پس از دو بار ایست قلبی و احیا، به شهادت رسید.



مادر ۹۹ساله که پسرش در جنگ تحمیلی اول به شهادت رسیده بود، در جنگ تحمیلی سوم به فرزندش پیوست.

به گزارش خبرنگار جام جم، عزت خانم توکلی‌زاد ۹۹ ساله در طبقه دوم ساختمانی در شهرک راه‌آهن در غرب تهران زندگی می‌کرد. او مادر شهید محمدرضا عبائی کوبانی بود. فرزند ۱۸ ساله‌اش در جنگ تحمیلی اول به جبهه رفته بود. او اسفند سال ۱۳۶۲ در عملیات خیبر در جنوب کشور شهید شد. بعد از ۱۰سال پیکر این شهید پیدا و نزد خانواده‌اش بازگشت. بعد از ۴۳ سال در جریان حمله دشمن صهیونی آمریکایی به ساختمانی مسکونی در غرب تهران این مادر به فرزند شهیدش پیوست.



خاطره جنایی

انتقام خونین داماد

رازگشایی از قتل سه عضو خانواده به دست داماد خانواده، خاطره‌ای است که این هفته به نقل از یک کارآگاه پلیس روایت کردیم

ذهنم را درگیر کرده بود. انگار این فقط شروع ماجرا بود.

چند ساعت بعد، خبر دوم رسید. این بار دو جسد، در دو نقطه متفاوت از شهر. وقتی به محل اول رسیدیم، با پیکر جوانی مواجه شدیم که علاوه بر ضربات جاقو، آثار شلیک گلوله هم روی بدنش دیده می‌شد. چند کیلومتر آن طرف‌تر، جسد مردی میانسال کشف شد؛ او هم با ضربات جاقو کشته شده بود. وقتی کنار صحنه ایستاده بودم، به نحوه قرار گرفتن اجساد نگاه کردم. هر سه قتل در محل وقوع انجام شده بود. هیچ نشانه‌ای از جابه‌جایی نبود. این یعنی قاتل، قربانی‌ها را به محل‌های خلوت کشانده و همان‌جا کار را تمام کرده بود.

در اداره، نتایج اولیه شناسایی رسید. اسم‌ها را در پرونده ثبت کردم: میلاد، سعید و کاظم. بررسی‌ها نشان داد میلاد و سعید دو برادر هستند و کاظم، پدرشان. همان‌جا بود که ذهنم برگشت به زن میانسال صبح. به پسر گمشده‌اش. سامان. وقتی ارتباط‌ها را کنار هم گذاشتم، تصویر واضح‌تر شد: سامان، داماد همین خانواده بود. سکوت سنگینی در اتاق حاکم شد. یکی از همکارانم گفت: «یعنی خودش هم؟...» جمله‌اش را کامل نکرد اما همه‌مان یک فکر مشترک داشتیم. آیا ما با چهارمین جسد روبه‌رو خواهیم شد؟

جست‌وجو برای پیدا کردن رد سامان شروع شد اما خیلی زود، سرنخ‌ها مسیر را عوض کردند. شاهدانی پیدا شدند که گفتند هر سه مقتول، آخرین بار با سامان دیده شده‌اند. اختلافات خانوادگی هم تأیید شد. درگیری‌های متعدد، تهدیدها... حتی حرف از انتقام. پرونده از «مفقودی» تبدیل شد به «مظنون اصلی سه قتل». به خانه خانواده سامان رفتیم. پدرش مردی بود با چهره‌ای خسته. وقتی شروع به صحبت کرد، صدایش یوی پیش‌بینی یک فاجعه را می‌داد. گفت: «پسرم خیلی وقت بود با خانواده نزش مشکل داشت. چند بار گفته بود انزوش انتقام می‌گیره. فکر نمی‌کردم جدی باشه». مکث کرد. نگاهش را از ما بردید و ادامه داد: «چند ساعت پیش زنی زد... گفت کار رو کرده... گفت پدر و برادرهای زنش رو کشته... گفت می‌خواد فرار کنه.»

آن لحظه، دیگر هیچ شکی باقی نمانده بود و دستور بازداشت او صادر شد. ردگیری‌ها شروع شد و چند روز بعد، سرنخ مهمی به دست آمد؛ سامان در یکی از شهرهای مرزی غرب کشور دیده شده بود. تیمی تشکیل دادیم و با هماهنگی قضایی راهی آنجا شدیم. عملیات دستگیری با یی‌ی صدا انجام می‌شد. چنین افرادی وقتی چیزی برای از دست دادن ندارند، خطرناک‌تر می‌شوند. چند ساعت تعقیب نامحسوس و بالاخره لحظه مناسب. سامان در مرکز شهر، در حالی که سعی می‌کرد عادی به نظر برسد، دستگیر شد. هیچ مقاومتی نکرد. انگار از قبل می‌دانست این پایان راه است.

وقتی در اتاق بازجویی روبه‌رویم نشست، نگاهش خالی بود. نه عصبانیت، نه پشیمانی. فقط یک خلأ عجیب. مدارک را جلوی‌ش گذاشتم. چیزی برای انکار نداشت. شروع به حرف زدن کرد. «سال‌ها پیش با همسرم ازدواج کردم. اوایل خوب بود اما خانواده‌اش همیشه دخالت می‌کردند.»

گفت هر بار دعوا می‌شد، همسرش خانه را ترک می‌کرد و به خانه پدری برمی‌گشت و هر بار، این چرخه تکرار می‌شد. خشم، مثل یک زخم کهنه، در او جمع شده بود. «چند بار گفته بودم انتقام می‌گیرم، ولی کسی جدی نگرفت.» سرش را پایین انداخت. «این بار جدی بودم. با میلاد تماس گرفتم و او را به محل قرار کشاندم و گفتیم بریم سفر. آن قدر رقت‌ناخسته شد و خوابش برد، بد با اسلحه و جاقو او را کشتیم. سعید را به بهانه خرابی ماشین به محل قرار کشانده و با جاقو کشتیم. پدرزنم هم آخرین قربانی‌ام بود.» وقتی روایتش تمام شد، اتاق برای چند لحظه در سکوت فروفت. صدای تیک‌تیک ساعت روی دیوار، تنها چیزی بود که شنیده می‌شد. از او پرسیدم: «بعدش چه؟» گفت با پدرش تماس و اعتراف کرده، اما برای فرار پول کافی نداشته. از این رو ترسیده و پنهان شده است.

وقتی بازجویی تمام شد و او را بردند، مدتی همان‌جا نشستیم. به پرونده‌ای که روی میز بود نگاه کردم. به عکس‌ها، به اسامی یک خانواده که برای همیشه از هم پاشیده بود.

وی افزود: مجرمان امروزی بسیار هوشمند عمل می‌کنند و معمولاً با شناسایی نقاط ضعف امنیتی در محله‌ها و خانه‌ها، نقشه‌های خود را طراحی می‌کنند. معاون اداره اجتماعی پلیس آگاهی گفت: هدف مادر این مرحله، نه تنها شناسایی این افراد بلکه ایجاد یک سپردفاعی در سطح شهر از طریق خود آگاهی مردم است. ما معتقدیم پیشگیری کارآمدترین راه برای حفظ آرامش جامعه است.

❖ **نقاط آسیب‌پذیر: کجا باید مراقب بود؟**

سرهنگ شریفی در ادامه با شناسایی الگوهای رایج سرقت خاطرنشان کرد:



در روزهای پراشتاب جنگ تحمیلی سوم، امدادگران جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران دوشادوش

دیگر نیروهای امدادی در خط مقدم نجات جان شهروندان ایستاده‌اند. بهروز کلهر ۳۱ ساله و از امدادگران جمعیت هلال احمر استان همدان، ۱۴سال است که در این سازمان فعالیت دارد و ۹سال است مربی سگ‌های زنده‌یاب هلال احمر است. او از آغاز جنگ سوم تحمیلی صهیونیستی- آمریکایی در شهر همدان به همراه همکارانش به امدادرسانی و نجات شهروندان مشغول بوده و دربارۀ عملیات‌های امداد و نجات در این روزها به خبرنگار جام جم گفت: از اولین روز جنگ رمضان، فعالیت‌های کاری و امدادی ما هم آغاز شد. یازدهم اسفند سال گذشته به ما گزارش شد یک موشک به کوچه‌ای در یکی از محله‌های شهر همدان اصابت کرده‌است.

حادثه قبل از ظهر رخ داده بود. همراه کمک‌مربی‌ام و یک قلاده سگ زنده‌یاب خودمان را به محل حادثه رساندیم. ساختمان دو و نیم طبقه‌ای به طور کامل تخریب شده بود. چند خانه اطراف نیز دچار خسارت و تخریب‌هایی شده بود. در این حادثه ۵۲ نفر از اهالی مصدوم شده بودند که امدادگران آنها را از ساختمان‌ها خارج کردند. همسایه‌ها می‌گفتند از ساکنان خانه تخریب‌شده خبری ندارند. نمی‌دانند آنها در خانه بودند یا نه. وقتی مطمئن شدیم شرایط برای ادامه امدادرسانی امکان‌پذیر است، جست‌وجو را آغاز کردیم. بعد از چند دقیقه پیکر یکی از ساکنان که مردی بود را پیدا کردیم. همچنان به آواربرداری‌ها ادامه دادیم که بعد از ساعتی پیکر شهروند دیگری که مرد جوانی بود را بیرون آوردیم. ساعت ۱۱ شب به بقایای پیکر دیگری رسیدیم که آن را نیز همکارانم از زیر خروارها آوار خارج کردند. درکل سه نفر در حمله به این ساختمان مسکونی شهید شدند. این امدادگر جوان خاطرنشان کرد: روز بیست و چهارم اسفند به

گزارش تصادفات فوتی در هفته‌ای که گذشت؛

۵ تصادف با ۷ کشته

هفته گذشته پایتخت شاهد پنج تصادف مرگبار بود که در جریان آن، هفت زن و مرد جان خود را از دست دادند. سردار سیدابوالفضل

موسوی پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ با اشاره به سوانح مرگبار ترافیکی شهر تهران تنها در فاصله آخرین روزهای فروردین تا ۳ اردیبهشت ۱۴۰۵ گفت: اولین حادثه ساعت ۲۲:۵۴ جمعه ۲۸ فروردین در مسیر جنوب به شمال بزرگراه شهیدباکری رخ داد. در این حادثه مرگبار، راننده یک دستگاه موتورسیکلت به علت عدم توجه به جلو در حین رانندگی با قسمت عقب سمت چپ یک دستگاه وانت نیسان که در سطح سواره‌رو بزرگراه به علت نقص فنی بدون هیچ‌گونه علائم هشداري متوقف شده بود، برخورد کرد. دو سرنشین موتورسیکلت که مرد و حدود ۲۶ ساله بودند بر اثر شدت جراحات جان باختند.

وی ادامه داد: روز شنبه ۲۹ فروردین، دو فقره تصادف منجر به فوت در سطح شهر تهران به شرح ذیل رخ داد؛ اولین حادثه ساعت ۲۱:۱۹ در مسیر غرب به شرق بزرگراه آزادگان (لاین اصلی) روبه‌روی شهرک مرتضی‌گرد بوقوع پیوست. در این حادثه راننده یک دستگاه سواری با عابر پیاده‌ای که به صورت غیرمجاز و غیرایمن در حال تردد از عرض بزرگراه بود، برخورد کرد که در اثر شدت صدمات، عابر پیاده که مرد ۴۵ساله‌ای بود، در دم جان خود را از دست داد. دومین حادثه ساعت ۲۳:۲۴ در بزرگراه شهید متوسلیان به سمت شرق روبه‌روی شرکت

پاکسان اتفاق افتاد.

در این سانحه مرگبار، راننده یک دستگاه سواری لیفان به علت عدم توانایی در کنترل وسیله نقلیه ناشی به دلیل سرعت غیرمجاز دور خود چرخیده و از ناحیه بدنه راست با عقب یک دستگاه کامیون برخورد کرد که متأسفانه در اثر این اتفاق، سرنشین عقب سواری لیفان که نوجوانی ۱۴ ساله بود، بر اثر شدت ضربه و جراحات وارده در دم فوت شد. سردار موسوی پور در ادامه افزود: چهارمین تصادف فوتی حوالی ساعت ۴:۲۹ باامداد دوشنبه ۳۱ فروردین، در مسیر شرق به غرب بزرگراه آزادگان بعد از بزرگراه فداانین اسلام، نرسیده به بزرگراه شهید دستواره رخ داد. در این تصادف راننده یک دستگاه وانت سایپا با عابر پیاده‌ای که با لباس تیره درحال تردد غیرمجاز و غیرایمن از عرض بزرگراه بوده، برخورد کرده و در اثر این اتفاق عابر پیاده متخلف که خانمی ۳۰ساله بود، جان خود را از دست داد. به‌گفته رئیس پلیس راهور پایتخت، آخرین تصادف فوتی رخ داده این هفته در پایتخت، روز سه‌شنبه اول اردیبهشت ساعت ۱:۵۵ باامداد در بزرگراه آزادگان مسیر غرب به شرق لاین کندرو، روبه‌روی آهن‌مکان به‌وقوع پیوست. در این تصادف راننده یک دستگاه سواری پژو ۲۰۶ به علت عدم توانایی در کنترل وسیله نقلیه ناشی به دلیل عدم مهارت کافی در رانندگی به یکباره تغییر مسیر ناگهانی داده و با بدنه راست یک دستگاه سواری پژو ۴۰۵ برخورد می‌کند که در اثر این تصادف سواری پژو ۴۰۵ از مسیر خود منحرف شده و با پایه پل عابر پیاده برخورد کرده و راننده سواری پژو ۲۰۶ که زنی ۲۶ ساله بود و همچنین راننده سواری پژو ۴۰۵ که مردی ۲۸ ساله بود، در اثر شدت ضربات وارده جان خودشان را از دست دادند.

سردار موسوی پور رئیس پلیس راهور تهران بزرگ در پایان با تأکید بر رعایت نکات ایمنی گفت: رانندگان عزیزی که در بزرگراه‌ها و محورهای شریانی در حال تردد هستند و به هر دلیلی وسیله نقلیه آنها دچار نقص فنی می‌شود، باتوجه به توقف اضطراری، باید در منتهی‌الیه مسیر و ترجیحاً در پهلוגاه‌های اضطراری که برای این منظور طراحی شده، توقف کنند. در غیر این صورت باید پشت وسیله نقلیه خود را با استفاده از مثلث خطر یا شب‌رنگ از فاصله ۷۰ متری ایمن‌سازی کنند تا رانندگان سایر وسایل نقلیه به موقع از وجود خودرو مطلع شده و زمان کافی برای تغییر مسیر و پیشگیری از تصادف را داشته باشند.

